

Factors causing regional and international tensions after the withdrawal of the United States from JCPOA

Ebrahim Ghanbari Mardas^۱

Received Date: ۹ Oct ۲۰۲۱

Ismail Shafiei Sarvestani^۲

Reception Date: ۲۸ Dec ۲۰۲۱

Shohreh Jalalpour^۳

Abstract

Factors causing regional and international tensions after the withdrawal of the United States from the JCPOA

The subject of this article is to examine the components affecting the creation of international and regional tensions after JCPOA. So the research question is what are the causes of regional and international tensions in the post-conflict period? And it tests the hypothesis that the US withdrawal from the JCPOA and its inaction has created new regional and international tensions for the Islamic Republic of Iran. The results of the study show that after the US unilateral withdrawal from the JCPOA agreement during Trump's presidency and the return of US unilateral and secondary sanctions, in addition to stopping the process of de-escalation, tensions between Iran and the Middle East and Western powers increased. Thus, the United States' non-compliance with an international treaty has led to regional and global anarchy and tensions between countries. The research method in this article is descriptive-analytical qualitative and the data are collected in a library method using phishing.

Keywords: De-escalation, tension, JCPOA, post-outcome, foreign policy, national interests

^۱ Department of Political Science, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran .ghanbariebrahimvv@yahoo.com

^۲ Department of Political Science, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran (Corresponding Author), esmaeilshafiee@gmail.com

^۳ Department of Political Science, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran .shohrehjalalpoor@yahoo.com

عوامل ایجاد تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پس از خروج امریکا از برجام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

ابراهیم قنبری مرداس^۱اسماعیل شفیعی سروسرستانی^۲شهره جلال پور^۳

چکیده

پس از مذاکرات طولانی با کشورهای ۱+۵ و به دست آمدن توافق هسته‌ای که در ایران به عنوان برجام شناخته می‌شود، روابط ایران با کشورهای همسایه و قدرت‌های بین‌المللی بهبود یافت و تنش در بین این کشورها پایان یافت. اما پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق برجام در دوران ریاست جمهوری ترامپ و بازگشت مجدد تحریم‌های یک‌جانبه و ثانویه آمریکا، علاوه بر توقف روند تنش‌زدایی تنش میان ایران و کشورهای منطقه خاورمیانه و قدرت‌های غربی افزایش یافت. این مقاله با رویکردی تفسیری-کیفی و استفاده از نظریه واقع‌گرایی در پی بررسی علل این تنش‌ها بوده است. لذا این سؤال را مطرح نمود که علل ایجاد تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در دوران پس‌برجام چیست؟ و این فرضیه را آزمون کرد که خروج آمریکا از توافق برجام و بدعهدی این کشور سبب ایجاد تنش‌های جدید منطقه‌ای و بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران شده است.

کلیدواژگان: تنش‌زدایی، تنش، برجام، پس‌برجام، سیاست خارجی، منافع ملی

^۱ گروه علوم سیاسی واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران ghanbariebrahimvw@yahoo.com

^۲ گروه علوم سیاسی واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول)،

esmaeilshafiee@gmail.com

^۳ گروه علوم سیاسی واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران shohrehjalalpoor@yahoo.com

ایران در محیط پیرامونی خود با چالش‌های امنیتی متعددی روبه‌رو است که به‌صورت دائمی و به‌واسطه تحولات و روندهای منطقه‌ای بازتولید می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از منظر منطقه‌ای نیز در حوزه‌ای واقع شده که هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی پایدار و توافق شده در آن وجود ندارد. به‌رغم پیشرفت نظام‌های امنیت منطقه‌ای در سراسر جهان به‌ویژه بعد از پایان جنگ سرد و در چهارچوب تحولات جهانی شدن، هنوز منطقه پیرامونی ایران فاقد ترتیبات امنیتی نهادینه شده است. تروریسم، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی - مذهبی، جرائم سازمان‌یافته، دولت‌های ضعیف و مداخلات قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله چالش‌ها و موانع امنیتی عمده‌ای است که ایران در پیرامون خود با آن‌ها روبه‌روست. ایران در جهت کاهش تهدیدات امنیتی ناشی از محیط پیرامونی و به‌منظور کمک به بهبود امنیت منطقه‌ای، رویکرد امنیت‌سازی مبتنی بر همکاری و مشارکت با سایر بازیگران منطقه‌ای را در جهت حل و فصل چالش‌ها و معضلات امنیتی در پیش گرفته است. این مقاله با رویکردی توصیفی تحلیلی و استفاده از نظریه واقع‌گرایی در پی علل بررسی تنش‌های جدید ایران است. لذا این سؤال را مطرح می‌کند که علل ایجاد تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در دوران پسابرجام چیست و این فرضیه را مطرح می‌کند که خروج آمریکا از توافق برجام و بدعهدی این کشور سبب ایجاد تنش‌های جدید منطقه‌ای و بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران شده است.

۱-۲- سوابق تحقیق

در اینجا به سه مورد از مطالعات انجام شده درباره موضوع مورد بحث پرداخته می‌شود:

۱- کوشا و اسکندری (۱۳۹۱) در مقاله چالش‌های حقوقی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و قطعنامه‌های تحریمی در فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم شماره ۲، می‌نویسند: یکی از نکات محوری در مواضع مقامات ج.ا.ایران، تأکید بر غیرقانونی بودن تصمیمات و اقدامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت در خصوص برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشور می‌باشد. این مقاله با تمرکز بر اصول و موازین حقوق بین‌الملل خاص و عام، قواعد آمره، مقررات خاص اساسنامه آژانس و منشور سازمان ملل و همچنین قواعد حقوق بشر به اثبات سیاسی بودن اقدامات آژانس و شورای امنیت و انحراف این دو نهاد بین‌المللی از موازین فنی و حقوقی می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای حکام و متعاقباً به شورای امنیت سازمان ملل مسیر حقوقی لازمه را طی نکرده و در مسیر سیاسی و

شتاب زده خود، اصول و موازین حقوق بین‌الملل خاص و عام، قواعد آمره، مقررات خاص اساسنامه آژانس و منشور سازمان ملل و همچنین قواعد حقوق بشر را نقض کرده است.

۲- رضایی و ترابی (۱۳۹۲) در مقاله سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا در مجله تحقیقات سیاسی و بین‌المللی: تابستان دوره ۵ شماره ۱۵ می‌نویسند: سیاست خارجی دولت یازدهم بر چه اصول و محورهایی استوار است؟ این محورها و اصول با کدام الگوی سیاست خارجی نزدیکی بیشتری دارند؟ در پاسخ به این سؤالات فرضیه زیر مطرح می‌شود که با توجه به تجربه حضور آقای روحانی به عنوان دبیر شورای امنیت ملی، مقالات، کتب و همچنین سخنرانی‌ها و مناظرات ایشان طی مبارزات انتخاباتی، می‌توان سیاست خارجی دولت یازدهم را تحت عنوان «تعامل سازنده با جهان در چارچوب دولت توسعه‌گرا» مورد بحث قرار داد. این سیاست خارجی به دنبال آن است که از طریق تنش زدایی، اعتمادسازی، دوری از امنیتی‌شدن، بهبود چهره و پرستیژ ایران، دیپلماسی فعال و روابط با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور در چارچوب اسناد بالادستی مهیا سازد.

۳- هاشم‌پور (۱۳۹۶) در مقاله برجستگی بعد امنیت و توسعه محوری در سیاست خارجی ج.ا. ایران از دهه ۸۰ تاکنون، ماهنامه پژوهش ملل/ دوره دوم، شماره ۲۴ می‌نویسد: سیاست خارجی به‌عنوان مجموعه خط و مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب موضوعی که یک دولت در برخورد با امور مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی نظام سیاسی اعمال می‌نماید، بر اصولی ثابت و پایدار استوار است که در عرصه‌های بین‌المللی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی قرار می‌گیرند. گرچه بر اساس اصول مدون قانون اساسی جمهوری اسلامی اصولی همچون حمایت از مستضعفین و محرومان، مقابله با استکبارگران و قدرتمندان، حمایت از اتحاد امت اسلامی و شیعی و متأثر از اوضاع منطقه متشنج خاورمیانه، رویکرد سیاست خارجی ما به‌طور کلی سمت‌وسوی انقلابی و به‌تبع آن امنیت محوری داشته است اما برجستگی این روند در دولت‌های نهم و دهم بسیار بیشتر بوده تا جایی که سیاست خارجی ایران در این دوران تحت تأثیر گفتمان آن دولت، به سمت تقابل با جهان و ایجاد فضایی امنیتی در اطراف کشور ما در منطقه گردید و بجای پیشبرد سیاستی توسعه‌ای و اقتصادی عملاً با یک سیاست تهاجمی همراه بود که نمود آن در بحث هسته‌ای و تصویب قطع‌نامه‌های شورای امنیت علیه منافع ملی ما بود و در نقطه مقابل دولت یازدهم با شعار تعامل سازنده با دنیا و دنبال کردن رویکردی مسالمت‌آمیز در جهت حل مسائل هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ تا حدودی از سیاست خارجی امنیت محور کاسته شد و در فضای پس‌برجام اهداف سیاستمداران ما به سمت تعامل اقتصادی با دنیا در جهت ایجاد سیاست خارجی توسعه محور و در جهت منافع ملی و دنبال نمودن دیپلماسی فعال توسعه محور سوق یافته است.

واقع‌گرایی یک نظریه فراگیر و کلان روابط بین‌الملل است که درصدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی بر اساس ویژگی‌های ثابت انسان‌ها و کشورهاست؛ به عبارت دیگر، واقع‌گرایی برای فهم و توضیح روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها به خصوصیات ملی کشورها و انسان‌ها تأکید می‌کند. این نظریه که مبتنی بر واقع‌گرایی سیاسی است و ریشه در اندیشه‌های مورخین و فلاسفه‌ای چون تویسیدید، ماکیاولی و هابز دارد. مکتب واقع‌گرایی بر جهان آن‌گونه که باید باشد تأکید می‌ورزد و مدعی است که جهان را آن‌گونه که هست توضیح می‌دهد. از منظر واقع‌گرایی، نظام بین‌الملل متشکل از کشورهای دارای حاکمیت مستقل و منفعت‌طلب با منافع متفاوت و متعارض است که تلاش می‌کنند تا حد امکان آن منافع را افزایش دهند. واقع‌گرایان سیاست بین‌الملل را به صورت حوزه‌ای تعریف می‌کنند که قانون و اخلاق در آن نقشی ندارد و مبارزه برای کسب قدرت بر مناسبات کشورها حاکم است. بنابراین، واقع‌گرایان بر رفتار کشورها و راهبردهایی که آن‌ها برای تأمین بقا و افزایش منافع خود به کار می‌برند، متمرکز می‌شوند. (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۲۲)

واقع‌گرایی برای تبیین روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی بر اصول و مفاهیم بنیادینی چون قدرت محوری، دولت محوری، منافع ملی، موازنه قوا، وضعیت طبیعی، عقلانیت و بقا تأکید می‌کند. واقع‌گرایان قدرت را به منزله مفهوم بنیادی روابط بین‌الملل قلمداد می‌کنند که نقشی همانند انرژی در فیزیک را ایفا می‌کند. در این مکتب سیاست بین‌الملل، مانند انواع دیگر سیاست، مبارزه و کشمکش بر سر قدرت است و قدرت حرف آخر را می‌زند. مهم‌ترین انگیزه و هدف کشورها در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کسب حداکثر قدرت و نفوذ و بسط خارجی آن است. قدرت‌طلبی کشورها امری طبیعی است که از سرشت انسان سرچشمه می‌گیرد و در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز برای حفظ بقا و ادامه حیات تشدید و تقویت می‌شود. بنابراین، قدرت هم هدف است و هم وسیله برای ادامه حیات. واقع‌گرایی همچنین فرض می‌کند که دولت-ملت‌ها یا کشورها بازیگران اصلی روابط بین‌الملل هستند که هسته مرکزی نظام بین‌الملل را تشکیل می‌دهند، در نتیجه این رویکرد نظری، روابط بین کشورهای دارای حاکمیت و تعاملات سیاسی را که مبتنی بر اصول قدرت و منافع ملی است، مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد.

واقع‌گرایان استدلال می‌کنند که به‌رغم ظهور بازیگران غیردولتی، همانند سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای فراملی، در نظام بین‌الملل، دولت ملی کماکان مهم‌ترین بازیگر در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. این کشورها هستند که تصمیم‌نهایی را می‌گیرند و برای اجرای آن در سیاست بین‌الملل

اقدام می‌کنند. بنابراین بازیگران غیردولتی، کنشگران ثانویه و درجه دومی هستند که نقش حاشیه‌ای در تعیین نتایج بین‌المللی و سیاست خارجی کشورها دارند. (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

بر اساس رویکرد واقع‌گرایی، بازیگری که عاقلانه عمل می‌کند، دولتی است که تلاش می‌کند تا منافع ملی خود را به حداکثر برساند زیرا در یک نظام بین‌الملل غیرمتمرکز، غیرمتشکل و سرشار از هرج‌ومرج و تعارض از کشورهای مشابه و منفعت‌طلب، تعهد و وظیفه اصلی حکومت و دولتمردان، تأمین منافع جامعه ملی و دولتی است که نمایندگی آن را به‌عهده دارند، بنابراین رفتار کشورها بر اساس منافع ملی تبیین و تعیین می‌شود.

زمینه اصلی طرح نظریه واقع‌گرایی در بعد از جنگ دوم جهانی آغاز شد. در واقع، واقع‌گرایی نوین واکنشی دسته‌جمعی در مقابل آرمان‌گرایی بوده است. واقع‌گرایان اعتقادی به انقلاب در سیاست بین‌الملل ندارند زیرا معتقدند اگر بازیگران جدیدی در صحنه وارد شوند بعد از مدتی مشخصات بازیگران قبلی را پیدا می‌کنند و درصدد تأمین امنیت و منافع خود خواهند رفت. مفهوم دیگر مورد نظر واقع‌گرایان آشوب‌زدگی است، منظور این است هیچ حکومت مرکزی در نظام بین‌الملل نیست و کنترل مطلق بر کل نظام وجود ندارد و دلیل تمایز عرصه داخلی از عرصه بین‌المللی همین نبود اقتدار در سطح جهانی می‌باشد. در واقع محیط یا نظام دولتی که دولت‌ها در آن زندگی می‌کنند اساساً آنارشیک است و آنارشیک بودن نظام دولتی در واقع ریشه در برداشت هابز در زمینه برقرار بودن وضعیت طبیعی در روابط بین‌الملل دارد. از نظر آن‌ها تعارض و رقابت به‌عنوان رابطه‌ای است که در نظام بین‌الملل حرف اول را می‌زند.

جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان کشوری که در یک محیط پرتنش و پرمخاطره قرار دارد، در پی دستیابی به اهداف و منافع ملی خود است. و در این راستا بر اساس نظریه واقع‌گرایی در پی افزایش قدرت ملی و نمایش آن به کشورهای رقیب است. از سوی دیگر فشارهای کشور امریکا در یک محیط پرمخاطره سبب می‌شود تا کشور ایران در پی ایجاد حاشیه امن در منطقه و رسیدن به اقتدار ملی و منطقه‌ای برای در امان ماندن از تحدیات امریکا باشد. به‌طور کلی سیاست خارجی ایران براساس ارزیابی و برآورد تحدیدات و فرضت‌های ناشی از نظام پرتنش بین‌الملل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۸) لذا روش واقع‌گرایی می‌تواند معیار دقیقی برای سنجش رفتار ایران در دوره کنونی باشد.

۲- برجام و خروج امریکا

برجام یکی از موارد تعامل دوات و جامعه در ایجاد سیاست‌های خارجی مشترک و همسو در جمهوری اسلامی ایران است. مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) آغاز شد. در طول مذاکرات، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و دیگر سازمان‌ها تحریم‌هایی را علیه ایران تحمیل کردند، مدتی به نظر می‌رسید که مرزها و خطوط قرمز شفاف شده باشند. در انتخابات ریاست

جمهوری ۲۰۱۳ ایران روحانی انتخاب شد کسی که رسانه‌های غربی او را از نظر سیاسی میان‌رو توصیف کرده‌اند. پس از چندین دوره مذاکرات، در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ (۳ آذر ۱۳۹۲)، توافق موقت ژنو بر سر برنامه هسته‌ای ایران بین ایران و کشورهای ۱+۵ در ژنو سوئیس امضاء شد. همان‌طور که کشورها روی یک توافق بلندمدت کار می‌کردند، این موضوع با متوقف شدن بخش‌هایی از برنامه هسته‌ای ایران در عوض کاهش تحریم‌های اقتصادی علیه ایران همراه بود. بیشترین تمرکز مذاکرات محدودیت‌ها روی تأسیسات هسته‌ای کلیدی ایران بود این توافق پایانی بر ۱۲ سال مذاکرات ایران با قدرت‌های جهانی بر سر مسئله خطر تولید سلاح اتمی بود که با هماهنگی و تعامل مستقیم دولت و جامعه برای گذر از بحران‌های بین‌المللی ایجاد شد.

در پی تلاش آمریکا برای خروج از برجام، دونالد ترامپ این حرکت را «کنار کشیدن» از آن توصیف نمود، که واژه‌ای از لحاظ فنی نادرست است زیرا این توافق یک معاهده نیست و آمریکا فقط می‌تواند مفاد این توافق‌نامه بین‌المللی را اجرا یا نقض کند. وی این توافق را یک توافق وحشتناک یک‌طرفه خواند که هرگز نباید امضا می‌شد. این توافق صلح و آرامش نیاورد و نخواهد آورد. ترامپ گفت: امروز من اعلام می‌کنم که ایالات متحده از توافق هسته‌ای ایران خارج می‌شود و بالاترین سطح از تحریم‌های اقتصادی علیه ایران اعمال خواهد شد.

فرانسه، آلمان و انگلیس گفته‌اند که از تصمیم ترامپ برای خروج از این توافق متأسف‌اند و تلاش می‌کنند تا او را متقاعد کنند که باقی بماند. از میان هشت طرف امضاکننده برجام (چین، فرانسه، آلمان، اتحادیه اروپا، ایران، روسیه، انگلستان) هیچ‌کدام حمایت خود را از تصمیم ترامپ برای خروج از برجام ابراز نکرده‌اند. با این حال، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل گفت که او از خروج «جسورانه» ترامپ از یک معامله «فاجعه‌آمیز» «کاملاً حمایت می‌کند». همچنین عربستان سعودی، رقیب منطقه‌ای ایران گفت که از حرکت ترامپ به سمت خروج از توافق «حمایت و استقبال» می‌کند. (Katzman, ۲۰۱۹:۱)

روابط ایالات متحده و ایران از زمان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران عمدتاً خصمانه بوده است. مقامات آمریکا و گزارش‌های رسمی به‌طور مداوم حمایت ایران از جبهه‌های مسلح شبه‌نظامی در منطقه خاورمیانه را تهدیدی مهم برای منافع و متحدان ایالات متحده می‌دانند. تلاش برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران پس از پیشرفت در برنامه‌های ایالات متحده، پس از سال ۲۰۰۲ بر سیاست‌های ایالات متحده تقدم یافت. ایالات متحده همچنین به دنبال خنثی کردن خرید سلاح‌های معمولی جدید و ساخت موشک‌های بالستیک است. (Katzman, ۲۰۱۹:۲)

۳- تنش‌های ایجاد شده با ایران پس از خروج آمریکا از برجام

از آنجایی که دولت آمریکا سیاست اعمال فشار حداکثری از جمله اعمال مجازات فراتر از مجازات را قبل دنبال کرده است، تنش‌های دوجانبه به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. تحولات کلیدی که در ابتدا باعث افزایش تنش‌ها می‌شد موارد زیر را شامل می‌شود:

- در ۸ آوریل ۲۰۱۹، دولت آمریکا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان سازمان تروریستی خارجی اعلام کرد، این اعلامیه اظهار داشت: "سپاه همچنان به پشتیبانی مالی و سایر امور مادی، آموزش، انتقال فناوری، سلاح‌های متعارف پیشرفته، راهنمایی و یا جهت طیف گسترده‌ای از سازمان‌های تروریستی از جمله حزب‌الله، گروه‌های تروریستی فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین، ادامه می‌دهد. گروه‌های حزب‌الله در عراق، تیپ‌های الاستر در بحرین و سایر گروه‌های تروریستی در سوریه و اطراف خلیج فارس ایران همچنان به اعضای القاعده اجازه می‌دهد تا در ایران ساکن شوند، جایی که آن‌ها توانستند حرکت کنند. پول و مبارزان به جنوب آسیا و سوریه را فراهم می‌کند." (trump, April ۸, ۲۰۱۹)
- از تاریخ ۲ مه ۲۰۱۹، دولت به‌استثنای تحریم‌های ایالات متحده برای خرید هر کشور برای خرید نفت ایران خاتمه داد، با هدف این که صادرات نفت ایران را به "صفر" برساند. (State Department Factsheet, April ۲۲, ۲۰۱۹)
- در تاریخ ۵ مه ۲۰۱۹ با استناد به گزارش‌هایی مبنی بر اینکه ایران یا متحدانش ممکن است در حال آماده سازی برای حمله به کارکنان یا تأسیسات آمریکایی باشند. (www.whitehouse.gov)
- در تاریخ ۲۴ مه ۲۰۱۹، دولت ترامپ به کنگره مبنی بر فروش فوری نظامی ارتش و پیشنهاد مجوزهای صادراتی برای فروش مستقیم کالاهای دفاعی - آموزش، تجهیزات و اسلحه - با ارزش ممکن بیش از ۸ میلیارد دلار، از جمله فروش دقیق مهمات هدایت شده (PGM) به عربستان سعودی و امارات متحده عربی. پومپئو در تهیه اطلاعیه فروش اضطراری، از مرجع اضطراری رمزنگاری شده در قانون کنترل صادرات اسلحه (AECA) استفاده کرد و لزوم "جلوگیری از ماجراجویی بیشتر ایران در خلیج و خاورمیانه" را عنوان کرد.

۳-۱- پاسخ‌ها و اقدامات ایران

بر اساس نظریه واقع‌گرایی کلیه کشورهای در پی به دست آوردن، افزایش و نشان دادن قدرت هستند لذا جمهوری اسلامی ایران نیز برای نمایش دادن اقتدار خود، که با اقدامات دولت آمریکا به چالش کشیده بود، با نشان دادن توانایی خود برای آسیب رساندن به تجارت جهانی و سایر منافع ایالات متحده و ایجاد نگرانی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بخشی از پاسخ به فشار ایالات متحده را پاسخ داد. ایران ممکن است به دنبال این باشد که بازیگران بین‌المللی، از جمله

آن‌هایی که به منابع نفتی پایدار وابسته هستند، به دولت ترامپ فشار بیاورد تا فشار تحریم‌های خود را بر روی ایران کاهش دهد.

۳-۱-۲- امنیت کشتی‌رانی در خلیج فارس

در تاریخ ۱۲ تا ۱۳ مه چهار تانکر نفتی - دو عربستان سعودی، یک اماراتی و یک کشتی نیروزی - آسیب دیدند. ایران دخالت در این حادثه را منکر شد، اما یک مقام وزارت دفاع آمریکا در ۲۴ مه ۲۰۱۹، حملات نفت‌کش را به سپاه منتسب کرد. (Department of Defense, May ۲۴, ۲۰۱۹) گزارشی به سازمان ملل بر اساس اطلاعات سعودی، امارات و اطلاعات نیروزی نشان داد که یک "بازیگر دولتی" احتمالاً مسئولیت دارد. (Falk, ۲۰۱۹)

در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹، به دو تانکر سعودی در خلیج عمان حمله واقع شدند. وزیر امور خارجه آمریکا، مایکل پمپئو اظهار داشت، "این ارزیابی دولت ایالات متحده است که ایران مسئولیت حملات رخ داده در خلیج عمان امروز ... است. بر اساس اطلاعات، سلاح‌های مورد استفاده، سطح تخصص لازم برای اجرای عملیات، حملات مشابه اخیر ایران به حمل و نقل، و این واقعیت که هیچ گروه پراکسی در منطقه دارای منابع و مهارت لازم برای انجام چنین درجه بالایی از ظرافت نیستند" (Secretary of State, June ۱۳, ۲۰۱۹)

۳-۱-۳- اقدامات متحدین منطقه‌ای ایران

علاوه بر اقدام مستقیم ایران، متحدین ایران در منطقه اقدام به حملاتی می‌کنند که ممکن است با تنش‌های آمریکا در ارتباط باشد، اگرچه به طور قطعی مشخص نیست که آیا ایران چنین حملاتی را هدایت کرده یا آن را تشویق کرده است. با این وجود، سیاست دولت ترامپ همان‌طور که توسط وزیر امور خارجه اش پومپئو بیان شده، این است که تهران را مسئول اقدامات متحدان منطقه‌ای خود قرار دهد.

در ۱۹ مه ۲۰۱۹، راکت به سمت "منطقه سبز" امن در بغداد شلیک شد اما هیچ زخمی و خسارتی در پی نداشته است. این حادثه چهار روز پس از آن صورت گرفت که وزارت امور خارجه دستور داد "کارگران دولت آمریکا در امور اضطراری" از امکانات دیپلماتیک آمریکا در عراق خارج نشوند و این ادعا را تهدید شدید اعلام کرد که متحدین ایران ممکن است علیه ایالات متحده در آنجا عمل کنند. در اواسط ماه ژوئن، چندین حمله راکتی دیگر در عراق رخ داد، از جمله مواردی که در نزدیکی یک مجتمع مسکونی برای کارمندان یک پروژه انرژی در جنوب استان بصره عراق فرود آمد و چندین نفر را زخمی کرد. (Washington Post, June ۱۹, ۲۰۱۹) حمله ماه مه ۲۰۱۹ به زیرساخت‌های خط لوله سعودی در عربستان سعودی با یک هواپیمای بدون سرنشین که

- ابتدا تصور می‌شود از یمن پرتاب شده است، بعداً مشخص شد که از عراق آغاز شده است.
- (Jeremy M. Sharp, June ۲۸, ۲۰۱۹)
- در ژوئن سال ۲۰۱۹ و متعاقباً، حوثی‌ها که در حال مبارزه با ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی بودند که در مارس ۲۰۱۵ در یمن علیه حوثی‌ها مداخله کردند، مسئولیت حملات به فرودگاه در ابها، جنوب عربستان سعودی را برعهده گرفته گرفتند. حوثی‌ها مسئولیت حمله گسترده در زیرساخت‌های انرژی عربستان سعودی را در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ مسئولیت خود قرار دادند، مقامات ایالات متحده و عربستان سعودی به این نتیجه رسیده‌اند که این حمله از یمن سرچشمه نگرفته است.
 - در بیانیه‌ای در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹، وزیر امور خارجه پومپئو مسئولیت ایران را درباره یک بمب‌گذاری اتومبیل در ۳۱ مه ۲۰۱۹ در افغانستان اعلام کرد که چهار نفر از نیروهای نظامی آمریکا زخمی شدند. گزارش‌های دولت ادعا کرده‌اند که ایران از برخی شبه‌نظامیان طالبان پشتیبانی مادی می‌کند، اما کارشناسان خارج ادعا می‌کنند که نقش ایران در آن حمله بعید است.
- (Washington Post, June ۱۶, ۲۰۱۹)
- سقوط هواپیماهای بدون سرنشین ایران و ایالات متحده: در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۹، ایران یک فروند هواپیمای بدون سرنشین نظارت هوایی (RQ-۴A Global Hawk) را در نزدیکی تنگه هرمز شلیک کرد و ادعا کرد که وارد حریم هوایی ایران در خلیج عمان شده است. مقامات فرماندهی آمریکا اظهار داشتند که این هواپیمای بدون سرنشین بر فراز آب‌های بین‌المللی است. (U.S. Central Command Statement) سردار سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه اظهار داشت: سقوط هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی یک پیام آشکار، واضح و قاطع است و حاکی این است که: مدافعان مرزهای ایران قاطعانه با هرگونه تجاوز خارجی برخورد خواهند.
 - در تاریخ ۲۰ ژوئن سال ۲۰۱۹، با توجه به پست‌های خود در سایت رسانه‌های اجتماعی توئیتر، ترامپ دستور حمله در سه سایت ایرانی مربوط به سقوط گلوبال هاوک را صادر کرد، اما حمله را به این دلیل که این امر باعث تلفات ایرانی می‌شود، متوقف کرد و به همین دلیل مطابق گزارش‌ها، ایالات متحده حمله هوایی سایبری علیه تجهیزات ایرانی را برای ردیابی کشتی‌های تجاری به کار برد. (New York Times, August ۲۹, ۲۰۱۹) در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۹، ترامپ اعلام کرد که نیروهای آمریکایی در خلیج فارس یک پهپاد ایرانی را از طریق الکترونیکی فروبرده‌اند. ایران تکذیب کرد که هیچ یک از هواپیماهای بدون سرنشین این کشور مورد اصابت گلوله قرار گرفته است.

تلاش انگلیس برای اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه باعث ایجاد اختلاف بین ایران و انگلیس شد. (New York Times, September ۲۷, ۲۰۱۹) در ۴ ژوئیه، مقامات منطقه جبل الطارق بریتانیا برون مرزی، با حمایت از تفنگداران دریایی انگلیس، یک تانکر ایرانی، گریس یک، در سواحل جبل الطارق را به این دلیل که گفته می‌شود تحریم اتحادیه اروپا برای تهیه نفت به سوریه را نقض می‌کنند، سرقت کردند. مقامات ایرانی این توقیف را عملی دزدی دریایی خواندند و در روزهای بعد نیروی دریایی سپاه به دنبال ردگیری یک نفت‌کش متعلق به انگلیس در خلیج فارس بود، اما بنا بر گزارش‌ها این نیرو توسط یک کشتی جنگی انگلیس رانده شد. در تاریخ ۱۹ ژوئیه نیروی دریایی سپاه یک نفت‌کش با پرچم انگلیس را در نزدیکی تنگه هرمز، استنا ایمپرو کشف و ضبط کرد و ادعاهای مختلفی مبنی بر نقض آب‌های ایران، آلوده کردن خلیج فارس، مطرح کردند.

در ۲۲ ژوئیه، جرمی هانت، وزیر خارجه وقت انگلیس، واکنش دولت در قبال تصرف استنا ایمپرو را به عنوان دنبال کردن دیپلماسی با ایران برای حل و فصل مسالمت‌آمیز این اختلاف توضیح داد. (Jeremy Hunt, July ۲۲, ۲۰۱۹) دونالد ترامپ و دیگر مقامات ارشد آمریکایی علناً از موضع انگلیس حمایت کردند. وزیر امور خارجه پومپئو گفت: "مسئولیت ... بر عهده انگلستان است تا از کشتی‌های خود مراقبت کند."

در ۱۵ آگوست، به دنبال تعهد گزارشی مبنی بر عدم تحویل محموله‌های نفتی به سوریه، یک دادگاه جبل الطارق دستور داد کشتی آزاد شود. دادگاه‌های جبل الطارق درخواست دادگستری ایالات متحده را رد کردند که کشتی را به عنوان متجاوز تحریم‌های ایالات متحده در سوریه و جمهوری اسلامی ایران مقصر دانست. (Bloomberg, August ۱۸, ۲۰۱۹) ظاهراً این کشتی با وجود تعهد، نفت خود را به سوریه تحویل داده و در نتیجه، ایالات متحده تحریم‌های جدیدی را برای افراد و اشخاص مرتبط با کشتی و شبکه کشتی‌رانی ایران وضع کرده است که وزارت خزانه داری به عنوان کمک‌کننده به آن و سایر نفت ایران معرفی کرده است. جدا از اختلاف بین انگلیس و ایران در مورد گریس یک و استنا ایمپرو، ایران در تاریخ ۵ اوت سال ۲۰۱۹ یک تانکر عراقی را به اتهام قاچاق سوخت دیزل ایران به "کشورهای عربی خلیج فارس" توقیف کرد. (New York Times, September ۱۰, ۲۰۱۹)

۳-۳-حمله به زیرساخت‌های انرژی عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹

در ۱۴ سپتامبر، حمله به چندین مکان در مکانه‌ای مهم زیرساخت انرژی عربستان سعودی انجام شد. جنبش حوثی‌ها در یمن، که به گفته مقامات آمریکایی از ایران سلاح و پشتیبانی دیگری

دریافت می‌کند، مسئولیت آن را بر عهده گرفت، اما وزیر امور خارجه آمریکا پومپئو اظهار داشت: ایران اکنون حمله بی‌سابقه‌ای به تأمین انرژی جهان انجام داده است. هیچ مدرکی مبنی بر این حملات از یمن وجود ندارد. (Wall Street Journal, September ۱۶, ۲۰۱۹)

این حمله بخش قابل توجهی از تولید و صدور نفت عربستان سعودی را متوقف کرد. و چه توسط خود ایران یا یکی از متحدان منطقه‌ای این کشور انجام شود، تنش‌های ایالات متحده و ایران و عربستان را تشدید کرده و توانایی قابل توجهی را برای تهدید متحدان و منافع ایالات متحده نشان داده است. پرزیدنت ترامپ در تاریخ ۱۶ سپتامبر اظهار داشت که مایل به جلوگیری از درگیری با ایران است و دولت از نظر نظامی تلافی نکرد. مقامات آمریکا اعلام کردند که افزایش ناچیز نیروهای آمریکایی در منطقه و برخی از تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران است. پومپئو در ۱۸ سپتامبر از عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای گفتگو درباره پاسخ‌های این حمله بازدید کرد و در کنفرانس‌های مطبوعاتی خود در منطقه اظهار داشت که قصد دارد از دیپلماسی برای تلاش برای حل بحران استفاده کند. حمله به زیرساخت‌های سعودی سؤالات گسترده‌ای را مطرح کرد، از جمله:

- میزان و دوام تضمین‌های امنیتی طولانی‌مدت ضمنی و صریح ایالات متحده برای کشورهای حوزه خلیج فارس چیست؟
- آیا توانایی‌های فناوری نظامی ایران از آنچه توسط مقامات آمریکا و جامعه اطلاعاتی آمریکا تخمین زده شده است، پیشرفت بیشتری دارند؟
- در این صورت، چه مکان اعزام نیروها یا تجهیزات آمریکایی ممکن است مانع از یک حمله مشابه در آینده شود؟
- چه اقداماتی از سوی ایالات متحده ممکن است لازم باشد تا ایران را از حملات آینده بازدارد؟

۳-۴- فشار حداکثری آمریکا به ایران

هدفی که دولت آمریکا از تشدید تحریم‌ها علیه ایران برای خود ترسیم کرده است، اجبار ایران برای مذاکره مجدد و پذیرفتن محدودیت‌هایی بیشتر در حوزه توانمندی هسته‌ای و نیز سایر حوزه‌ها مانند توان دفاعی موشکی خود است، پروژه فشار حداکثری دونالد ترامپ بر دو اهرم اصلی متکی می‌باشد: اول، در تنگنای سخت قرار دادن اقتصاد ایران از گذر تحریم که به نارضایتی عمومی منجر شود تا به نوبه خود فشار بر رهبران ایران را افزایش می‌دهد تا خواسته‌های واشنگتن در راستای سرنگونی رژیم را محقق کند. دوم، سایه حمله نظامی فرسایشی که یا توسط ایالات متحده یا به کمک متحدان انجام می‌شود. استفاده از هر دوی این اهرم‌ها نیازمند حمایت فعال دیگر بازیگران و متحدان منطقه‌ای است. تلاش واشنگتن برای کنار گذاشتن ایران از شبکه

سوئیت موفقیت آمیز بود و اروپایی‌ها، چینی‌ها، و حتی روس‌ها نتوانستند جایگزین مناسبی برای سوئیت پیدا کنند. (نفیو، ۱۳۹۷: ۵۷)

اهرم حمله نظامی هم با لغو دستور حمله هوایی تلافی‌جویانه دونالد ترامپ و با گسست در جبهه متحدان عملاً راه به‌جایی نبرد. اروپایی‌ها که چندان دل‌خوشی از خروج دونالد ترامپ از برجام نداشتند به پیشنهاد پیوستن به طرح پاسبانی دریایی ترامپ پاسخ منفی دادند. از میان سه هواخواه خلیج‌فارس ترامپ نیز عدم تمایل امارات متحده عربی به ادامه همکاری تمام‌عیار با آمریکا بسیاری را شگفت‌زده کرد. به نظر می‌رسد که رفتار و صحبت‌های خصمانه ضد ایرانی که شدت گرفته بود فروکش کرده است. ترامپ و پمپئو، در برابر تهران و هم در تلاش برای تشکیل یک ائتلاف گسترده ضد ایرانی شکست خورده‌اند. المانیتور نوشته بود که یک سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا از اظهار نظر در مورد این ارزیابی خودداری کرده است. وزارت خارجه آمریکا هم وجود این ارزیابی را رد یا تأیید نکرده و صرفاً گفته است که خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، ایران را از میلیاردها دلار درآمد نفتی محروم کرده است. (رومی و کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۶)

این تضاد چند سطحی که منجر به آن شده که هدف و غایت سیاسی پنهان آمریکا در راهبرد کلان خود براندازی و تغییر نظام سیاسی و نه صرفاً تغییر رفتار ایران باشد. در این مسیر، آمریکا از دوگونه راه کنش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بهره برده است. از یکسو، دولت متخاصم از تخریب و تحدید مرزهای ژئوپلیتیک و حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای ایران، جنگ‌های نیابتی و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی غافل نبوده است؛ از جمله، تحرکات جدیدی در سطح منطقه و خارج از منطقه برای اجماع‌سازی علیه ایران آغاز کرده که برگزاری کنفرانس ورشو در لهستان بخشی از آن است. از سوی دیگر، میدان نبرد را از حوزه سخت‌افزاری و نظامی به حوزه نرم‌افزاری نیز کشانده و تلاش می‌کند با عقیم‌سازی سرچشمه‌های قدرت نظام سیاسی ایران، از داخل امکان براندازی را فراهم سازد. آمریکا با کاربست دیپلماسی رسانه‌ای تلاش دارد ناتوانی حکومت در برآوردن نیازمندی‌ها و منافع ملی ایران را به مردم القا کند. (رومی و کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۶)

۴- سناریوهای احتمالی پس از خروج آمریکا از برجام

آینده روند فعلی برجام در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و نمی‌توان تصور روشنی از آن داشت. در اینجا دو سناریوهای احتمالی پیش روی دوران پسا پسا برجام، وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱- ادامه روند نه صلح نه جنگ

از سال‌ها قبل اسرائیل و اعراب بین ایران و آمریکا جنگ خواسته‌اند اما آمریکا علاقه‌اش بیشتر به دیپلماسی زور بوده است. در نتیجه، اگرچه آمریکایی‌ها از "همه گزینه‌ها روی میز" دائماً صحبت کرده‌اند اما در عمل تنها گزینه "نه جنگ و نه صلح" را دنبال کرده‌اند تا هم نیروهای ضد جنگ و هم نیروهای ضد صلح در این اختلاف را آرام نگه‌دارند. ایران هم تصادفاً در وضعیت فکری آمریکا بسر برده است. در تهران هم دولت نخواستہ است با آمریکا صلح کند چراکه از نزدیکی با آن وحشت دارد و به دشمنی با آمریکا برای حفظ انقلاب و نظام نیازمند است. جنگ نیز هرگز گزینه ایران نبوده است چون نظام اسلامی با یک دید واقعیت‌گرا می‌داند که حریف نظامی مناسبی آمریکا نیست. این است که تهران هم مثل واشینگتن گزینه نه جنگ و نه صلح را حفظ کرده است. بنابراین، هرگاه مشکل رابطه به‌سوی درگیری سوق داده‌شده، جمهوری اسلامی "نرمش قهرمانانه" پیش‌گرفته و سعی کرده است تنش‌زدائی کند تا برخورد نظامی پیش نیاید و قدرت آمریکا برای تغییر رژیم و یا حتی لیبرالیزه کردن جمهوری اسلامی محدود شود، و برعکس هر وقت رابطه به‌سوی بهتر شدن رفته است ایران انقلابی‌گری را پیشه کرده است و خصومت با آمریکا عمده شده است. پس برای اینکه وضعیت نه جنگ و نه صلح حفظ شود سیاست دو طرف در سال‌های گذشته خلاصه شده به نرمش قهرمانانه همراه با مرگ بر آمریکا از سوی ایران، و دیپلماسی به همراه تحریم و تهدید از سوی آمریکا. اگرچه این وضعیت سال‌ها قابل دوام بوده است اما شرایط در هر دو طرف و منطقه به سوئی پیش رفته است که گزینه نه جنگ و نه صلح هرچه بیشتر بی‌ثبات شده است. (میهن، ۱۳۹۵: ۲۸-۳۰)

۴-۲- صلح

مشکلات ایران و آمریکا سیاسی-نظامی و پیچیده‌اند و راه‌حل صرفاً اقتصادی و ساده ندارند. با این وجود یافتن راه‌حل و استفاده از شگردهای اقتصادی غیرممکن هم نیست. ترامپ نمی‌خواهد که سرمایه‌داران آمریکا پشت دروازه‌های ایران بمانند درحالی که سرمایه‌داران اروپائی در ایران فربه گردند (اتفاقی که برای آمریکایی‌ها بعد از صلح با ویتنام پیش آمد). اما شروع حرکت باید یک تصمیم و عزم ملی در ایران باشد. خوشبختانه این عزم برای برجام به وجود آمد اما متأسفانه در همان‌جا متوقف شد و طرفین به یک راه حل نیم‌بند برای مشکل هسته‌ای رسیدند که امروز دستخوش تهدید جدی شده است. روش رسیدن به این جامعیت باید قدم به قدم و از طریق مذاکره روی مسائلی باشد که برای هر دو طرف در اولویت قرار دارند. در همان شروع هم ایران باید درک بهتری از خود آقای ترامپ کسب کند. ترامپ یک فروشنده است و قبل از هر چیزی دوست دارد که برای خودش بازاریابی کند. عدم درک این روانشناسی ترامپ هر تلاشی را بین ایران و آمریکا برای کاهش تنش به بیراهه می‌برد. (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۰)

ترامپ گفته که می‌خواهد سر برجام دوباره مذاکره کند و ایران آن را به شدت رد کرده است. البته در طرف ترامپ نیروهایی هستند که می‌خواهند ایشان برجام را دور بریزد نه اینکه فقط تجدید مذاکره بکنند و ایران هم تهدید به مقابله به مثل کرده است. این مواضع در هر دو طرف گرفتار احساسات ملی هستند. همان‌طور که حتی مخالفین سابق برجام هم به آقای ترامپ هشدار داده‌اند، خروج آمریکا از برجام به نفع منافع ملی آن کشور نخواهد بود. آن‌ها در عوض می‌خواهند که آمریکا برجام را به شکل یک تله برای ایران نگه دارد و در حاشیه آن به تحریم و تهدید ادامه دهد. تقریباً حتم است که ترامپ در صورت اصرار ایران به عدم مذاکره با ایشان این مسیر را در پیش خواهد گرفت و امیدوار خواهد ماند که ایران به دلیل افزایش فشارها برجام را نقض کند، که در آن صورت آمریکا برای منزوی کردن ایران و ضربه کاری زدن به جمهوری اسلامی مشروعیت بین‌المللی خواهد یافت. با نظر گفتن این واقعیت و شخصیت خود-مرکزینی آقای ترامپ، حتماً اصرار ایران به عدم مذاکره با دولت ایشان نه تنها درست نیست که خطرناک هم هست.

(احمدی، ۱۳۹۵: ۱۲)

۴-۳- جنگ

به نظر می‌رسد بعد از حمله موشکی-پهپادی به تأسیسات نفتی عربستان و کاهش بخش مهمی از تولید نفت و گاز این کشور به نوعی چوب‌خط جمهوری اسلامی از دید تصمیم‌گیران واشینگتن پر شده باشد. در حال حاضر گروه‌ها و افرادی در حزب جمهوری خواه مانند جان بولتن و سناتور لیندسی گراهام استدلال می‌کنند که امتناع ترامپ از برخورد نظامی مشوق جمهوری اسلامی ایران به رویکرد تهاجمی شده است. حتی برخی از منتقدان ترامپ در جمع حزب دمکرات نیز معتقد هستند که سیاست تحریم‌های کمرشکن در تغییر رفتار جمهوری اسلامی شکست‌خورده و او برای خروج از این بن‌بست یا باید با دیپلماسی و تعدیل خواسته‌هایش به میز مذاکره برگردد و یا برخورد نظامی انجام دهد. البته رصد کردن تحرکات مقامات جمهوری اسلامی نیز نشان می‌دهد که آن‌ها متوجه این واقعیت هستند و در فضای بعد از حمله به تأسیسات آرامکو در صدد مهار تنش‌ها و جلوگیری از خروج آن به سطح کنترل نشده هستند. وجود متغیرهای متفاوت گمانه‌زنی پیرامون آینده را دشوار می‌سازد اما همان‌طور که امکان وقوع درگیری نظامی وجود دارد، این احتمال هم قوت پیدا کرده که نزدیک شدن دو طرف به آستانه رویارویی نظامی به دلیل افزایش هزینه برخورد تهاجمی از سوی جمهوری اسلامی و متحدانش از سطوح قابل تحمل، شتاب بخش مذاکرات و توافق احتمالی جدید شود. به نظر می‌رسد حملات کنونی با فرض اطمینان از عدم واکنش نظامی آمریکا هدف‌گذاری شده‌اند. (افشاری، ۱۳۹۸: ۴)

نتیجه‌گیری

حتی اگر فرض شود جمهوری اسلامی عامل حوادث نفت‌کش‌های ژاپنی و انفجارها در نزدیکی بندر الفجیره امارات؛ تانکرهای عربی و غیره باشد که هنوز مستند معتبری در خصوص این اتهام ارائه نشده است، باز اقدامات فوق به شهادت کارشناسان نظامی و واکنش دولت‌ها و با توجه به تناوب آن‌ها اقدامات بزرگ و حساسی نبوده‌اند که مسبب برخورد نظامی و یا جنگ شود. آن‌ها به صورت مخفیانه سازمان‌دهی شده‌اند تا اثبات نقش عاملان نشدنی و یا بسیار دشوار باشد. اگر جمهوری اسلامی به دنبال استقبال از برخورد نظامی بود در شرایطی که سستکام را رسماً یک سازمان تروریست و در نتیجه هدف مشروع نظامی اعلام کرده است، یا خود مستقیماً مراکز نظامی آمریکا و یا تجهیزات نظامی‌اش را هدف قرار می‌داد و یا نیروهای همسو با آن مبادرت به این کار می‌کردند. حتی تا کنون هنوز سطح فعالیت‌های تقابلی شبکه نیروهای نظامی تحت هدایت سپاه قدس به مراحل قبلی نرسیده که حوثی‌ها به صورت علنی نفت‌کش‌های عربستان سعودی را در باب‌المنذب هدف حملات موشکی قرار دادند. از این رو حمله به نفت‌کش‌ها و یا اصابت راکت به نزدیکی سفارت آمریکا در بغداد را می‌توان اقدامات ایذایی برای تقویت موقعیت چانه‌زنی و سپر دفاعی در برابر تهاجم روانی، سیاسی و اقتصادی دولت آمریکا تفسیر کرد.

البته پیامد آن‌ها ریسک برخورد نظامی را افزایش می‌دهد اما نمی‌توان نتیجه گرفت که عامدانه برای تحریک جنگ ریل‌گذاری شده‌اند. دولت‌های امارات متحده عربی و ژاپن و صاحبان تانکرها نیز تا کنون خواهان برخوردهای تند نشده‌اند و در قالب‌های آرام و محتاطانه شکایت‌های خود را پیگیری کرده‌اند. واکنش جامعه جهانی و دولت آمریکا نیز برای بازدارندگی در برابر این حملات افزایش حضور نظامی و اسکورت نفت‌کش‌ها بوده است.

جمهوری اسلامی در برابر خروج آمریکا از برجام و ناتوانی اروپا از انجام تعهدات برجامی به واکنش نرم دست‌زده است. اگر بنا بر رفتن به سمت برخورد نظامی باشد، آنگاه باید انتظار بازگشت سریع غنی‌سازی اورانیوم با درجه بالا را داشت که هم تحریک‌کننده است و هم در موازنه نظامی و راهبردی مزیت آفرین است.

در مجموع دلایل و شواهدی را در رد استقبال جمهوری اسلامی از جنگ و یا برخورد نظامی عامدانه طرح کرده و سناریوی جایگزینی را ارائه می‌دهد که نظام به دنبال ایجاد فشار و حرکت‌های جسورانه و ایذایی کنترل شده است تا در وهله نخست دوران سخت فشارهای حداکثری دولت آمریکا را پشت سر گذاشته و چشم‌انتظار «شکست ترامپ در انتخابات ریاست

جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا» شود و اگر نتوانست شرایط مذاکره و توافق احتمالی را تحمل‌پذیر سازد. البته این راهبرد ریسک برخورد نظامی ناشی از خطای محاسبه و افزایش پتانسیل‌های تقابلی را افزایش می‌دهد اما درعین‌حال رویگردانی از جنگ تحرکات نظامی و امنیتی نظام را مشروط و مقید می‌سازد، به‌گونه‌ای که قطعیتی برای جنگ و یا برخورد نظامی محدود در ماه‌های پیش رو نمی‌توان متصور شد. درعین‌حال می‌توان انتظار داشت به‌موازات تحولات در زورآزمایی‌های دو طرف تنش‌زدایی و تشدید درگیری‌ها به‌صورت متناوب رخ دهد.

منابع

۱. رضوی احمد (۱۳۸۴)، **واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل**، تهران، البرز
۲. سهیلا کوشا و محمدعلی اسکندری (۱۳۹۱) «چالش‌های حقوقی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و قطعنامه‌های تحریمی» **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و ششم شماره ۲
۳. علیرضا رضایی و قاسم ترابی (۱۳۹۲) «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا» **مجله تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۵ شماره ۱۵
۴. پیروز هاشم‌پور (۱۳۹۶) «برجستگی بعد امنیت و توسعه محوری در سیاست خارجی ج.ا. ایران از دهه ۸۰ تاکنون»، **ماهنامه پژوهش ملل**، دوره دوم، شماره ۲۴
۵. وبستر، فرانک (۱۳۸۰) **نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی**، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران: انتشارات قصیده سرا.
۶. رومی فرشاد و کاظمی احسان (۱۳۹۷) «مواجهه ایران و آمریکا؛ راهبردها و تاکتیک‌ها راه کنش‌ها»، **فصلنامه آفاق امنیت / سال یازدهم / شماره ۴۰**
۷. فاضلی، حبیب‌الله و افضل‌ی، توحید (۱۳۹۴) «دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال ج.ا. ایران در دولت اوباما»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، شماره ۷۲.
۸. گل‌کرمی، عابد؛ کریمی پور یدالله؛ متقی، افشین و ربیعی، حسین (۱۳۹۷) «تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قابلیت‌های ژئواکونومیک»، **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال هجدهم، شماره ۳
۹. ریچارد نفیو (۱۳۹۷) **هنر تحریم‌ها نگاهی از درون میدان**، ترجمه معاونت پژوهش‌های اقتصادی، انتشارات: مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران
۱۰. دهقانی فیروزآبادی سید جلال (۱۳۹۰)، «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و پنجم، شماره ۲
۱۱. هوشنگ امیر احمدی استاد دانشگاه راتگرز، آمریکا (۱۳۹۵) قابل‌دسترسی در

۱۲. مجله الکترونیکی میهن وابسته به انجمن دفاع از آزادی و اطلاع‌رسانی در ایران، بهمن و اسفند ۱۳۹۵ شماره ۱۳ قابل دسترسی در file:///C:/Users/Data/.۲۰Gostar/Downloads/Mihan_۱۳.pdf
۱۳. علی افشاری (۱۳۹۸) ایران و آمریکا «در آستانه جنگ» یا «نزدیک شدن مذاکره» قابل دسترسی در <https://www.radiofarda.com/a/commentary-on-whether-USA-and-Iran-go-to-war-or-negotiation/۳۰۱۷۹۴۲۸.html>
۱۴. Kenneth Katzman, U.S.-Iran Tensions and Implications for U.S. Policy December ۱۳, ۲۰۱۹, <https://crsreports.congress.gov R۴۵۷۹۵>
۱۵. Statement from the President on the Designation of the Islamic Revolutionary Guard Corps as a Foreign Terrorist Organization, April ۸, ۲۰۱۹, at <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/statement-president-designation-islamic-revolutionary-guard-corps-foreign-terrorist-organization/>
۱۶. Department of State, Office of the Spokesperson, Factsheet: Designation of the Islamic Revolutionary Guard Corps, April ۸, ۲۰۱۹.
۱۷. State Department Factsheet, April ۲۲, ۲۰۱۹, at <https://www.state.gov/advancing-the-u-s-maximum-pressure-campaign-on-iran/>
۱۸. The text of the announcement can be found at <https://www.whitehouse.gov/briefingsstatements/statement-national-security-advisor-ambassador-john-bolton-۲/>
۱۹. Pamela Falk, “Oil tanker attack probe reveals new photos, blames likely ‘state actor,’” CBS News, June ۷, ۲۰۱۹
۲۰. Statement by the Secretary of State, June ۱۳, ۲۰۱۹
۲۱. Rockets strike near U.S.-linked oil installation and military bases in Iraq; ۳ wounded,” Washington Post, June ۱۹, ۲۰۱۹
۲۲. U.S. says Saudi pipeline attacks originated in Iraq: Wall Street Journal,” Reuters, June ۲۸, ۲۰۱۹. For analysis on the Yemen conflict, see CRS Report R۴۳۹۶۰, Yemen: Civil War and Regional Intervention, by Jeremy M. Sharp.
۲۳. The Taliban Claimed an Attack on U.S. Forces. Pompeo Blamed Iran,” Washington Post, June ۱۶, ۲۰۱۹
۲۴. See U.S. Central Command Statement at <https://www.centcom.mil/MEDIA/STATEMENTS/Statements->

- View/Article/۱۸۸۱۶۸۲/us-central-command-statement-iranians-shoot-down-us-drone/
۲۵. U.S. Cyber-attack made it Harder for Iran to Target Oil Tankers.” New York Times, August ۲۹,
 ۲۶. British-Flagged Tanker Leaves Iran, Two Months After It Was Seized. New York Times, September ۲۷, ۲۰۱۹.
 ۲۷. UK Foreign and Commonwealth Office, Statement by Jeremy Hunt to Parliament, July ۲۲, ۲۰۱۹.
 ۲۸. Iran Warns U.S. Against Seizing Oil Tanker Headed to Greece.” Bloomberg, August ۱۸, ۲۰۱۹
 ۲۹. Iran Tanker Unloaded its Cargo, Tehran Says. New York Times, September ۱۰, ۲۰۱۹
 ۳۰. U.S. Tells Saudi Arabia Oil Attacks Were Launched from Iran.” Wall Street Journal, September ۱۶, ۲۰۱۹
 ۳۱. Department of Defense Briefing on Iran, May ۲۴, ۲۰۱۹. For analysis on Saudi Arabia, see CRS Report RL۳۳۵۳۳, Saudi Arabia: Background and U.S. Relations, by Christopher M. Blanchard.